

نقش دستگاه‌های نظارتی قوه قضائیه بر ارتقای امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران

محمد عباسی^۱

مجتبی جامعی^۲

چکیده

نظام‌های سیاسی در طول تاریخ، نهادهایی را برای تأمین امنیت عمومی پایه‌ریزی نموده‌اند. در جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه به‌وسیله سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری، این مهم را با افزایش کارآمدی دستگاه‌های اجرایی و بهره‌مندی حاکمیت از سرمایه‌ی اجتماعی به عهده دارد. از طرفی، این امر، سبب جلوگیری از بروز تخلفات، جرائم و نیز تضمین سلامت امور، تسریع فرایند خدمات‌رسانی دستگاه‌های اجرایی دولت به عموم مردم را فراهم می‌کند و نهایتاً منجر به ارتقای امنیت عمومی خواهد شد.

این پژوهش از نظر نوع، کاربردی است و به روش توصیفی انجام گرفته است. گردآوری داده‌ها به صورت میدانی و کتابخانه‌ای با فیش‌برداری انجام گرفته و ابزارهای گردآوری مصاحبه با صاحب‌نظران دستگاه‌های نظارتی قوه قضائیه و حوزه امنیت عمومی بوده و تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس روش تحلیل محتوا صورت پذیرفته است.

واژگان کلیدی: امنیت عمومی، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری، نظارت، قوه

قضائیه

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشکده علوم و فنون فارابی (Ma10773@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی، نویسنده مسئول (Jameemoj@gmail.com)

مقدمه

نظارت بر نحوه عملکرد دستگاه‌های اجرایی، ازجمله مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در کشورهای جهان است. امروزه، زندگی جمعی و متکی به قانون، لزوم کنترل و نظارت تحت عنوان مبارزه با فساد را در جوامع انسانی، امری اجتناب‌ناپذیر ساخته و وجود ساختارهای مناسب برای برآورده شدن این نیاز، بیش‌ازپیش مشهود گردیده است. جوامع مختلف، به شیوه‌های متفاوت، اقدام به طراحی ساختار سازمان‌های نظارتی کرده، با این امید که ساختار مذکور، امر کنترل و نظارت را در آن جوامع تسهیل نمایند. هدف اساسی از نظارت بر دولت، کنترل کیفیت انجام وظایف و مسئولیت‌های دولت و جلوگیری از فساد اداری است. در روزگار کنونی مبارزه با فساد و از میان بردن زمینه‌ها و مظاهر آن، یکی از ملاک‌های برجسته حسن اداره‌گری در دولت‌های مدرن محسوب می‌شود و دولتی که بتواند میزان فساد را در حوزه‌های عمومی جامعه خود کاهش دهد و سلامت اقتصادی، اداری و مدیریتی را حکم‌فرما سازد، از جاهت و اعتبار بالاتری نزد جامعه جهانی برخوردار خواهد بود (سعیدی، ۱۳۹۵: ۱۳)؛ از طرفی، امنیت عمومی نیز، بخشی از امنیت داخلی است که منحصرراً روابط بین افراد، نهادهای مدنی و بروکراسی دولتی را شامل می‌شود (مرادیان، ۱۳۹۱: ۲۵۳) و مرجع آن «مردم» هستند که از آن‌ها به «عموم» یاد می‌شود. امنیت عمومی بر سه رکن تحکیم قانون و مقررات، پیشگیری از وقوع جرم [یا تخلف] و جبران خسارات ناشی از آن و برقراری نظم و آرامش عمومی استوار است (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۲: ۱۱۶). هرچند که مردم منبع اصلی قدرت دولت‌ها به‌شمار می‌آیند اما در مقام عمل، سازمان رسمی به دلیل بهره‌مندی از حق مشروع اعمال سلطه و در اختیار داشتن امکانات بالفعل به کانون قدرت تبدیل می‌شود که در مقام مقایسه با قدرت عمومی و بالقوه جامعه، از امتیازات بیشتری برخوردار است و به همین دلیل جامعه‌شناسان معتقدند که دولت نیازمند کنترل و نظارت به نفع شهروندان است تا از این طریق، قدرت آن‌ها مهار شده و جایگاه شهروندان در جامعه اعتلا یابد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۲۷). پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، ساختار نظام نظارتی کشور، به‌گونه‌ای نوین و جامع‌تر از گذشته در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه تدوین و تصویب گردید.

بیان مسئله

در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران و قوای سه‌گانه آن، دستگاه‌های مختلفی وجود دارند که دستگاه‌های اجرایی را از حیث: عملکردی، مالی و ... نظارت می‌نمایند که نشان‌دهنده اهمیت امر نظارت و توجه ویژه حاکمیت به تحقق این مهم است. قوه قضائیه به‌عنوان یکی از قوای سه‌گانه کشور، جایگاهی بنیادین در تأمین و ارتقای امنیت عمومی داشته و دستگاه‌های نظارتی آن براساس قانون اساسی، عبارت است از: دیوانعالی کشور (اصل ۱۶۱ قانون اساسی)، دیوان عدالت اداری (اصل ۱۷۳ قانون اساسی)، سازمان بازرسی کل کشور (اصل ۱۷۴ قانون اساسی) و واحدهای نظارتی آن نیز، براساس مقررات و قوانین مربوطه و چارت تشکیلاتی قوه قضائیه، - شامل دادسرای انتظامی قضات، مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه، دفتر بازرسی ویژه رئیس قوه قضائیه و ... است. همچنین، براساس بند ۲۲ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه ابلاغی مقام معظم رهبری^{مدظله‌العالی}، شورای دستگاه‌های نظارتی کشور، از پنج دستگاه نظارتی به نام‌های سازمان بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری، دیوان محاسبات کشور، وزارت اطلاعات و سازمان حسابرسی تشکیل می‌شود که دو دستگاه از پنج دستگاه یادشده (سازمان بازرسی کل - کشور و دیوان عدالت اداری) جزء ساختار تشکیلاتی قوه قضائیه بوده و بنا به مورد امر نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اجرایی و نیز رسیدگی به شکایات و دادخواهی‌ها را در چهارچوب قوانین و مقررات مربوطه به عهده دارند. بدیهی است این امر، سبب جلوگیری از وقوع تخلفات، جرایم و سوء جریان‌ات اداری و برقراری قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و کاهش فساد در دستگاه‌های اجرایی را فراهم خواهد ساخت و در نهایت به ارتقای امنیت عمومی از طریق افزایش رضایت‌مندی، اعتماد عمومی، مشارکت، انسجام اجتماعی و ... شهروندان در جامعه منجر می‌شود. ازاین‌روی، یکی از دغدغه‌های مهم دولتمردان، ارتقای سطح امنیت عمومی است که گستره بزرگی از گرایش‌های روحی و روانی جامعه را در بردارد. براساس مدل امنیت عمومی با رویکرد ساختارگرایی، شامل سه ضلع مناسبات شهروند-سازمان دولت، شهروند-نهادهای اجتماعی و شهروند-شهروند است (مرادیان، ۱۳۹۱: ۲۶۸) و نتیجه کار این دو دستگاه باعث کارآمدی دستگاه‌های اجرایی کشور می‌شود؛ ازاین‌رو مسئله محقق این است که دستگاه‌های نظارتی قوه قضائیه چگونه می‌توانند در

ارتقای امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران نقش داشته باشند؟

ضرورت و اهمیت

چنانچه به ضرورت وجودی موضوع آنچنان که باید پرداخته نشود، می‌تواند به‌طور قطع آثار و تبعات منفی فراوان از جمله: تبعیض، قانون‌گریزی، قانون‌ستیزی، برقراری روابط ناسالم بین آحاد جامعه، بروز جرائمی همچون اختلاس و رشوه در ادارات دولتی، ایجاد فساد اداری و شیوع گسترده آن، ظهور پیدا خواهد نمود که به پیروی آن، راضی نبودن و سلب اعتماد عمومی نسبت به مسئولان و مدیران سازمان قدرت و به‌مخاطره افتادن امنیت عمومی را در پی خواهد داشت. محقق انتظار دارد با اجرای این تحقیق دستاوردهای:

- ۱- ایجاد انسجام بین دستگاه‌های نظارتی قوه قضائیه و امنیت عمومی،
- ۲- ارتقای امنیت عمومی،
- ۳- افزایش سطح کمی و کیفی عملکرد دستگاه‌های دولتی و ارتقای مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی و خدمت‌رسانی به آحاد جامعه،
- ۴- جلوگیری از اعمال رویه‌های شخصی، سلیقه‌ای و غیرمتعارف و بعضاً فاقد محمل قانونی در دستگاه‌های اجرایی،
- ۵- تسریع در حرکت جامعه در مسیر نقشه ترسیمی اسناد بالادستی و خواست آرمانی جامعه حاصل گردد.

پیشینه

نقش مطلوب سرمایه‌ی اجتماعی بر امنیت عمومی عنوان مقاله‌ای است که توسط آقایان علیرضا ترقی (۱۳۸۸) عضو هیئت علمی دانشکده امام باقر (ع) و آقای رستمی انجام گردیده که سرمایه اجتماعی را حاصل مؤلفه‌هایی از جمله اعتماد، انسجام، آگاهی و ... می‌دانند و امنیت را رویکردی دانسته که ناظر بر سرمایه‌ی اجتماعی است؛ به عبارت دیگر مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان یکی از مفاهیم مهم و کلیدی، به دلیل بهره‌مندی از رویکرد نرم‌افزاری به یکی از راهبردهای تأمین امنیت نرم در عرصه‌های کلان، بخشی و خرد تبدیل و مورد نظر مسئولان امنیتی واقع شده است.

در پژوهشی دیگر، آقایان احمدوند، حاتمی و حسین ذوالفقاری‌نسب (۱۳۸۹) در خصوص

راهبردهای ارتقای امنیت عمومی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته و براساس نتایج صورت گرفته، عامل مدیریتی را به‌عنوان بیش‌ترین سهم در امنیت عمومی شهر تهران اختصاص می‌دهند.

در دیگر پژوهش‌های انجام شده می‌توان به سرمایه‌ی اجتماعی در امنیت عمومی که در دانشکده امنیت دانشگاه عالی دفاع ملی (۱۳۹۲) به انجام رسیده و نتیجه آن در قالب مجله‌ای با عنوان سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت عمومی چاپ شده، اشاره نمود. پژوهندگان با روش پیمایش و زمینه‌یابی با تجزیه و تحلیل آماری و کمی‌سازی یافته‌های تحقیق و استفاده از تکنیک‌های اس‌دبلیو‌اوتی^۱ و ماتریس ام‌پی‌اس‌کیو^۲ به تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته و در نهایت راهبردهای دارای اولویت به تأمین امنیت عمومی را ارائه نموده‌اند. یکی از کتب مطالعه شده در حوزه نظارتی کشور به قلم آقای حبیب‌اله فتاحی اردکانی (۱۳۹۰) از مدیران سازمان بازرسی کل کشور است. این کتاب با عنوان راهبردهای ارزیابی و نظارت اثربخش به تبیین نظارت و انواع آن، راهبرد نظارت و بازرسی و مبارزه با فساد پرداخته و راهبردهای دستگاه‌های نظارتی کشور را به کارآمدی و ارتقای اداری دستگاه‌ها، تقویت نقش قانون‌مداری و حقوق شهروندی، ایفای نقش محوری در مبارزه با فساد و ... می‌داند.

مبانی نظری

جایگاه نظارت در مدیریت

به دلیل اهمیت اداره مطلوب جوامع انسانی، پاسخگویی به نیازها و حل مشکلات فراروی انسان‌ها، از دیرباز نخبگان و حاکمان تلاش کرده‌اند با هنر، ابتکار و خلاقیت، مدیریت خود بر جوامع را بهبود بخشند و ضمن حفظ قدرت، بر رقبای خود پیشی گرفته و چهره ماندگاری از خود باقی گذارند (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۱) از طرف دیگر بسیاری از صاحب‌نظران علت موفقیت و شکست نهادها را در تفاوت مدیریت آنها می‌دانند. به اعتقاد پیتر دراگر^۳، عضو حیات‌بخش هر سازمان، مدیریت آن است؛ از این‌رو مدیریت، مهم‌ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک سازمان است. اینکه تمامی افراد و سازمان‌ها در خصوص وجود عنوانی به نام مدیریت

1. SWOT

2. MPSQ

3. Peter draker

اتفاق نظر داشته ولی مهم چگونگی اعمال مدیریت و بهره‌برداری مدیران از شیوه‌های مطلوب و کارآمد در اثربخشی مدیریت است که پویایی و تحرک را در سازمان‌ها فراهم می‌کند و راه رسیدن به هدف را با سرعتی مطمئن و از طریق صحیح هموار می‌سازد (ساوه‌دودی، ۱۳۹۲: ۱۱۰). اصول پنج‌گانه مدیریت عبارت است از برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل (رضائیان، ۱۳۹۲: ۶). یکی از وظایف اساسی مدیر که با سایر وظایف او در ارتباط است، نظارت و کنترل است. از طریق آن می‌توان از فعالیتهای اعضای سازمان، حداکثر کارایی و اثربخشی در راستای رسیدن به اهداف سازمان مطلع گردید. فقط با کنترل است که برنامه‌ریز به درستی پیش‌بینی خود پی خواهد برد. به همین دلیل است که باید این نظر را پذیرفت که هیچ برنامه‌ای بدون کنترل به درستی اجرا نمی‌شود (رضائیان، ۱۳۹۲: ۲۶۱) و کنترل نیز بدون وجود برنامه، مفهوم پیدا نمی‌کند؛ کارهایی را که مدیریت به هنگام اعمال کنترل انجام می‌دهد از نوع فعالیت‌هایی است که مدیریت به آن وسیله اطمینان می‌یابد که عملیات انجام شده درست همان فعالیت‌هایی است که از پیش برنامه‌ریزی شده است.

نظارت قضایی بر دستگاه‌های اجرایی

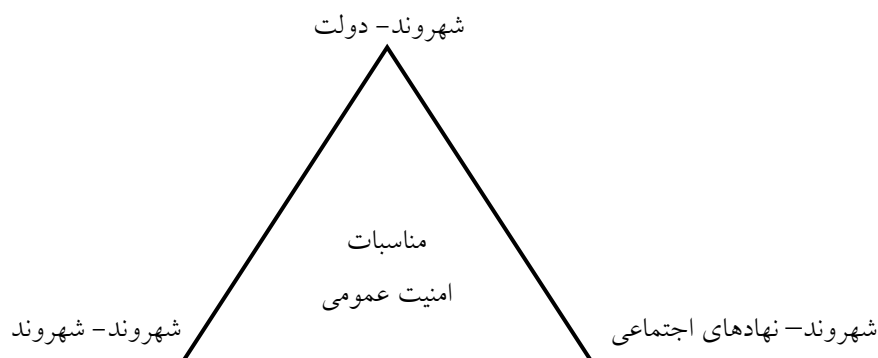
قوه قضائیه علاوه بر آنکه طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، رسیدگی و صدور حکم در مورد دادخواهی‌ها، ستم‌ها و شکایات و حل و فصل دعاوی و احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع و پیشگیری از وقوع جرم و کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمین را به عهده دارد، دارای یک وظیفه اساسی دیگر تحت عنوان «نظارت بر حسن اجرای قوانین» نیز است. قوه مذکور این وظیفه را از طریق ارگانهای نظارتی از جمله دستگاه‌های نظارتی قوه قضائیه انجام می‌دهد. براساس بند ۲۲ سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه ابلاغی مقام معظم رهبری^{مدظله‌العالی} شورای دستگاه‌های نظارتی کشور با حضور سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کشور، دیوان عدالت اداری، وزارت اطلاعات و سازمان حسابرسی تشکیل گردید که دو دستگاه از پنج دستگاه موصوف به نام سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری نهادهای تابعه قوه قضائیه هستند و به عنوان دستگاه‌های نظارتی قوه قضائیه مطرح هستند.

مفهوم امنیت عمومی، مرجع و اهداف آن

امنیت عمومی وضعیتی از برتری نظم، قانون و رعایت عدالت در یک جامعه است که

شهروندان در سایه آن از تهدید و خطر در امان بوده و برای حفظ و پاسداری از حقوق خود و برطرف کردن زمینه ها و عوامل تعرض احتمالی، اطمینان خاطر دارند (دفتر مطالعات و تحقیقات امنیتی وزارت کشور، ۱۳۸۰: ۳۹۹). جمال شفیعی در مورد مفهوم امنیت عمومی اظهار می دارد: امنیت عمومی بر حفظ جان، مال و شئون زندگی افراد و مقابله با جرائم و آسیب های اجتماعی و نیز برقراری نظم و قانون دلالت می کند (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۲: ۸۶). مرجع امنیت عمومی، عموم مردم هستند که با تهدید آنها امنیت عمومی خدشه دار می شود. در امنیت عمومی، فرد یا افراد از نظر کمی و کیفی باید سطح عموم را تحت تأثیر قرار دهند تا مسئله امنیت عمومی، به وجود آید (مرادیان، ۱۳۹۱: ۲۷۰). در امنیت عمومی هدف، ایجاد نظم و آرامش عمومی، تثبیت حاکمیت قانون و مقررات در جامعه و تضمین منافع عمومی و خصوصی است. هم چنین به دلیل ارتباط آن با سایر سطوح امنیت با تأمین عمومی، تأمین و امنیت در سایر سطوح از جمله سطوح بالادستی تسهیل می شود (عصاریان نژاد، ۱۳۸۷: ۲۶). امنیت عمومی بر اساس رویکرد نظری ساختارگرایانه بر سه وجه تنظیم مناسبات شهروند- دولت، شهروند- نهادهای اجتماعی و شهروند- شهروند استوار است (مرادیان، ۱۳۹۱: ۲۶۸). «شهروندان» رکن ثابت هر سه وجه امنیت عمومی محسوب می گردند. به همین دلیل تلاش برای جلب مشارکت عمومی مردم، به صورت مستقیم و غیر مستقیم، در دستور کار دولتمردان قرار دارد.

نمودار امنیت عمومی بر اساس رویکرد ساختارگرایانه



عوامل مؤثر در حوزه امنیت عمومی

عوامل مختلفی بر امنیت عمومی تأثیرگذاری مثبت یا منفی دارند. به مفهوم دیگر این عوامل می‌توانند کارکرد ارتقاءبخش یا کاهش‌دهنده امنیت عمومی در جامعه باشند. این عوامل به صورت آسیب یا تهدید می‌توانند حوزه امنیت عمومی را به مخاطره بیاندازند و در صورت مدیریت صحیح دفع آنها، همین عوامل می‌توانند به عنوان قوت و فرصت‌های در اختیار، عوامل ارتقاءبخش در حوزه امنیت عمومی باشند. عوامل متعددی که می‌توانند تأثیرگذار باشند در شش گروه و عامل به شرح زیر دسته‌بندی شده است:

۱. عوامل سیاسی
۲. عوامل اجتماعی
۳. عوامل اقتصادی
۴. عوامل فرهنگی
۵. عوامل مدیریتی
۶. عوامل محیطی (احمدوند و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۸۷).

در این تحقیق به دو عامل، از عوامل شش‌گانه مؤثر در حوزه امنیت عمومی با عناوین، عوامل مدیریتی و عوامل اجتماعی اشاره می‌گردد؛ ولی این دو عامل به صورت مجزا و جداگانه در نظر گرفته نشده و به یکدیگر از طریق عوامل مدیریتی به عوامل اجتماعی در راستای ارتقای امنیت عمومی در جمهوری اسلامی ایران تسری داده می‌شود.

عامل مدیریتی (جایگاه و مفهوم کارآمدی در دستگاه‌های اجرایی)

یکی از مهم‌ترین محصولات و یا اثربخشی نظارت که وظیفه اصلی دستگاه‌های نظارتی قوه قضائیه محسوب می‌گردد، افزایش کارآمدی دستگاه‌های اجرایی است؛ ازاین‌رو افزایش کارآمدی ماحصل نظارت صحیح دستگاه‌های نظارتی همانند سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری است. کارآمدی یکی از مفاهیم بنیادین در علوم سیاسی است که توفیق در آن، موجب رشد نظام اجتماعی است. از آنجا که هر نظام سیاسی به دنبال افزایش کارآمدی خویش است، بدیهی است که نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به دنبال دستیابی به این هدف اساسی است تا دوام خویش را با تحصیل رضایت افزون‌تر از شهروندان در عرصه عمل،

بیش از پیش تضمین کند. کارآمدی با واژگانی مانند «اثربخشی و تقرب به هدف» مترادف است. کارآمد به معنای کاردان، کارآزموده و شایسته است. کارآمد کسی است که کارها را به خوبی انجام دهد و یا چیزی است که به کار آید و سودمند باشد «کارآمدی میزان رسیدن به اهداف تعیین شده است». در فرهنگ اصطلاحات مدیریت نیز، کارآمدی به مفهوم "میزان موفقیت در تحقق هدف‌ها و یا انجام مأموریت است که نشان‌دهنده درجه رسیدن به اهداف است" (فرهنگ معین، ۱۳۷۸: ۱۵۵). از آنجا که خاستگاه نظام جمهوری اسلامی ایران و اندیشه حضرت امام خمینی (ره) حرکت در چهارچوب اسلام و احکام اسلامی است، باید در رسیدن به کارآمدی از مکانیسم‌های اسلامی نیز استفاده کرد (فتحعلی، ۱۳۸۳: ۱۰۵-۱۰۱).

شاخص‌های کارآمدی

اگرچه، تعریف واحدی در رابطه با کارآمدی وجود ندارد و به لحاظ وجود اختلاف نظرهای فراوان، تعاریف متعددی نیز ارائه شده است ولی به بیان ساده، کارآمدی یک سازمان را می‌توان در میزان دستیابی و حصول اهداف سازمانی مربوط، تعریف کرد و سنجید ولی این مهم، با وجود سادگی تعریف بالا، از حیث سنجش میزان کارآمدی، به راحتی امکان‌پذیر نیست ولی به بیان ساده سه شاخص به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های کارآمدی به شرح زیر احصاء شده است:

۱- قانون‌مداری و حاکمیت قانون

این‌که تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی‌اند و می‌توان به اجرای آن‌ها اطمینان داشت، با شاخص حاکمیت قانون ارزیابی می‌شود. منظور از حاکمیت قانون این است که هر کاری مطابق با قانون مصوب انجام شود؛ این انطباق نباید به این معنا تعبیر شود که قانون می‌تواند ابزاری برای افزایش قدرت سیاستمداران در اجرای وظایفشان باشد؛ بلکه تحت قانون عمل کردن باعث محدود کردن حوزه اختیارات سیاستمداران شده و قدرت آنان را منطقی می‌سازد (نادری، ۱۳۹۰: ۷۶). با توجه به معنای مصطلح "قانون" می‌توان گفت: قانون‌مداری در نگاه حقوقی، به معنای آن است که بکوشیم تا رفتارهای ما حول قانون تنظیم شود و شکل گیرد. به دیگر سخن، این را که انجام هر عمل آدمی در اجتماع نخست با قواعد و قوانین مکتوب و موضوعه سنجیده شود و فقط در صورت مطابقت با آن، انجام شود قانون‌مداری می‌گوییم، در حقیقت

قانون‌مندی رفتار اجتماعی انسان، همان روش‌مندی رفتار است. پس تقویت قانون‌مداری، به معنای تقویت رفتار روش‌مند در اجتماع است (عارف، ۱۳۹۴: ۱۹-۲۳).

۲- مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی

نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی، باید در برابر مردم مسئولیت‌پذیر باشند. پذیرش مسئولیت به‌طور خاص در مورد افرادی است که تحت تأثیر تصمیمات قرار دارند. این اصل با پاسخگویی و شفافیت ارتباط تنگاتنگی دارد، چرا که توانایی شهروندان در تشویق یا مجازات منتخبین نشان به امکان شناسایی مقام مسئول بستگی دارد، به عبارت دیگر مردم کسی را در برابر خود پاسخ‌گو می‌دانند که او را به روشنی مسئول فرض کنند. ارائه نمودن اطلاعات کافی به مردم مساوی با مسئولیت‌ناپذیری و پاسخگویی مقام مربوطه است (۲۰۰۴: ۴۲۶ Samuels)، بنابراین روشن است که مسئولیت‌پذیری یکی از معیارهای پاسخ‌گویی است و پاسخ‌گویی با پذیرش مسئولیت معنا می‌یابد؛ از این‌رو در یک جامعه مبتنی بر حاکمیت قانون و اصول زمامداری دموکراتیک تمام نهادهای اعمال‌کننده قدرت در برابر مردم پاسخ‌گو هستند.

۳- کاهش فساد^۱

واژه فساد در لغت به معنای رفتار غیرصادقانه و غیرقانونی به‌ویژه از سوی افراد صاحب قدرت مانند دولتمردان یا افسران پلیس به‌کار می‌رود (Merriam-Webster, 2015). اصطلاحاً عبارت است از سوءاستفاده از قدرت یا مناصب (به‌ویژه مناصب عمومی) و یا اختصاص دادن نابجای دارایی‌ها، مناصب و اعتماد عمومی به‌منظور کسب سود شخصی. این تعریف بیشتر انواع فساد را در دو بخش خصوصی و عمومی در برمی‌گیرد. فساد نمایانگر زیر پا گذاشتن قوانین ناظر بر تخصیص منابع و درهم‌ریختن مرز میان مسئولیت‌های عمومی و نفع خصوصی است و از این‌رو بیشتر مظاهر اقدامات مفسدانه شامل فعالیت‌های مقامات عمومی و دولتی است. البته مفهوم فساد در گذر تاریخ معانی گوناگونی داشته ولی معنای آن در سده اخیر محدودتر شده است و با فاصله گرفتن از مفاهیم قدیمی‌تری همچون «از دست دادن فضایل» بیشتر به زیر پا نهادن قواعد حاکم بر نقش منافع خصوصی در مشاغل عمومی اطلاق می‌شود (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۴۴۶ و

۷۲۸-۷۲۰). ضدفساد^۱ عبارت است از: مجموعه اقدامات و تمهیداتی که برای مقابله با مظاهر فساد و رفتارهای غیرقانونی و سوءاستفاده‌گرانه به‌ویژه در عرصه سیاسی صورت می‌پذیرد (oxford dictionary, 2015).

در عرصه کنونی، مبارزه با فساد و از میان بردن زمینه‌های آن، یکی از ملاک‌های برجسته حسن اداره‌گری در دولت‌های مدرن محسوب می‌شود و دولتی که بتواند میزان فساد را در حوزه‌های عمومی جامعه خود کاهش دهد و سلامت اقتصادی، اداری و مدیریتی را حکم‌فرما سازد، از اعتبار و وجاهت بالاتری نزد جامعه‌ی جهانی برخوردار خواهد بود.

مصاحبه با صاحب‌نظران و خبرگان درخصوص نقش سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری در ارتقای کارآمدی دستگاه‌های اجرایی: از مجموع ۱۸ نفر مصاحبه با صاحب‌نظران و خبرگان در دستگاه‌های نظارتی قوه قضائیه و حوزه امنیت عمومی، به اختصار گزیده دیدگاه‌های دو تن از صاحب‌نظران قید می‌گردد: قانون یعنی یک‌سری مقررات که از سوی مراجع صاحب‌صلاحیت قانون‌گذاری وضع می‌شود که در کشور به استثناء اندک موارد مصرح در قوانین، عهده‌دار آن قوه مقننه است. فلسفه وضع قوانین و مقررات، حفظ و برقراری نظم، تأمین و حفظ منافع ملی، حفظ و صیانت از آزادی‌های عمومی و حقوق مشروع و اساسی مردم مشتمل بر جان، مال و حیثیت عموم و آحاد جامعه و ... است که تمام این‌ها در حوزه حقوق اساسی مردم احصاء و تعریف می‌شود. یکی از وظایف سازمان بازرسی این است که بررسی کند دستگاه‌های اداری کشور در چهارچوب قوانین و مقررات مربوطه قدم برمی‌دارد یا خیر؟ این امور باعث می‌شود که دستگاه‌های اجرایی مشمول بازرسی، قانون‌گرایی را فراموش نکنند. کارکنان و مسئولان دستگاه‌های اداری بنابر شرح وظایف مطبوع خود، در قبال عملکردشان، مسئولیت قانونی و طبعاً باید پاسخگوی عملکرد خود نیز باشند. کسی که مسئولیت ندارد، می‌تواند پاسخگو نیز نباشد ولی در چهارچوب مسئولیتی که کارکنان در هر رده شغلی که باشند، دارند باید پاسخگو نیز باشند. پس در دستگاه‌های دولتی و سازمان‌های قدرت، کسی که پشت میز نشسته و متولی امری است، اگر مسئولیت دارد، باید پاسخگو نیز باشد؛ حالا اگر قانون جامع و متناسب با نیازمندیهای جامعه و مردم، وضع شود و مقامات،

مراجع و مسئول هم کارشان را به طور بایسته و مسئولانه انجام داده و پاسخگوی عملکرد خود نیز باشد قاعده‌تاً باید شاهد کاهش میزان فسادها در دستگاه‌های اداری و سازمان‌های قدرت نیز باشیم. نتایج حاصل از رسیدگی‌های قضایی دیوان عدالت اداری و آثار و تبعات مترتب بر آن در دستگاه‌های اداری، به نوعی نظارت محسوب می‌شود. رأی وحدت رویه، برای شعب دیوان، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط، لازم‌الاتباع است. این امر، به‌نوعی در حکم ریل‌گذاری بوده و اثرات بازدارندگی دارد. با عنایت به مجموعه مراتب بالا خروجی عملکرد بایسته سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری در حقیقت ارتقای کارآمدی دستگاه‌های اجرایی و سازمان قدرت است (مصاحبه با قاضی بهزاد غفاری مقدم). دیوان عدالت در بررسی تخطی حضورش بسیار پررنگ است و مرتباً هم رأی صادر می‌کند و نتیجه بسیار خوبی هم در قانون‌گرایی داشته است. غالب رسیدگی‌ها در هیئت عمومی دیوان عدالت در ارتباط با تخطی دستگاه‌ها از قوانین و مقررات است؛ اما سازمان بازرسی در هر دو وجه به‌راحتی می‌تواند ورود کند. بنابراین سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری با قانون‌گرایی و حاکمیت قانون از طریق جلوگیری از تخطی مسئولان از تکالیف و نقض و ابطال دستورات خلاف قانون آنان که در هیئت عمومی جنبه عام و شمول دارد از طریق استقرار قانون و در نتیجه امنیت شغلی و اجتماعی برای افراد می‌شود. درخصوص مسئولیت‌پذیری که شاخصه دوم کارآمدی دستگاه‌ها است باید به این نکته اشاره کرد که عبارت «حسن جریان امور» در قانون سازمان بازرسی کل کشور یک لفظ عام و مطلق است. یعنی شامل هر رفتاری از جمله مسئولیت‌پذیری می‌شود. از این رو وقتی که در بازرسی‌ها برای سازمان بازرسی مشخص شود که مسئولی، مسئولیت‌پذیر نیست اعلام می‌کند که این فرد، مدیر مسئولیت‌پذیری نیست و اقتضاء می‌کند که در یک نظام کارآمد وقتی فرد مسئولیتی را پذیرفته است باید کاملاً به تکالیف خود عمل کند. بنابراین، بررسی دستگاه‌های اداری از حیث مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مسئولیت‌پذیری در سازمان بازرسی کل کشور اتفاقاً از محورهای بسیارخوب نظارت و بازرسی سازمان بازرسی کل کشور است؛ اما این موضوع در رابطه با دیوان عدالت اداری به‌صورتی که در سازمان بازرسی کل کشور است، مصداق ندارد. مسئولی که نزدیکان خود را به‌کارگیری نکند، مسئولی که دخل و خرج و هزینه‌های دستگاه‌ها را به‌صورت شفاف و درست انجام دهد و

نسبت به آن پاسخگو باشد، قطعاً موجب کارآمدی دستگاه می‌شود. تلاش سازمان بازرسی بر کاهش فساد در سه حوزه است؛ اول افراد مختلف، دوم سیستم‌ها و تشکیلات و سوم قوانین و مقررات که موجب فساد می‌شود. این سه مورد می‌تواند در دیوان عدالت اداری از طریق ابطال مصوبات برخلاف قانون صورت بگیرد (مصاحبه با قاضی ذبیح‌الله واحدی).

جایگاه و مفهوم سرمایه اجتماعی^۱

سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تر از انواع دیگر سرمایه در توسعه و امنیت جوامع دارد، ولی سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی، مجموعه‌ای از ارزش‌های محاط و درونی در ایدئولوژی و فرهنگ دینی و اسلامی محسوب می‌گردد. در این پروژه، سرمایه اجتماعی در امنیت حوزه عمومی جامعه مورد توجه قرار خواهد گرفت و مفهوم سرمایه اجتماعی به‌طور گسترده‌ای در حال تأثیرگذاری است و با آن‌که مانند شعله کوچکی در علوم اجتماعی آغاز شده (Field, 2003: 3) واژه‌ی مصطلح و رایج «سرمایه اجتماعی» در ادبیات امروزه علوم اجتماعی، محصول نظریات و تفکرات غربی است. در واقع، پس از آن‌که اروپا و جهان غرب، با عارضه دین‌گریزی افراطی و به اصطلاح خود «نهضت‌روشن‌گری»^۲ مواجه گردید، ناگزیر برای پر نمودن خلاء معنوی و محتوایی، به‌زعم خود به خلق و ایجاد فرمول‌ها و بسته‌های معرفتی نوین برای پیشبرد امور در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی گرایش یافت؛ (ترقی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳) تعداد مقالاتی که «سرمایه اجتماعی» را به‌عنوان یک کلمه کلیدی قبل از سال ۱۹۸۱، در خود درج کرده بودند به ۲۰ عدد می‌رسید، بین ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵، این عدد به ۱۰۶ رسید و بین ۱۹۹۶ تا ماه مارس ۱۹۹۹، بالغ بر ۱۰۰۳ شد (Harper, 2001: 6)؛ که این ارقام نشان‌دهنده نیاز مبرم جامعه جهانی به موضوع «سرمایه اجتماعی» است.

شاخص‌های سرمایه اجتماعی

۱- اعتماد^۳: در بین نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، تعریفی که فوکویاما در این خصوص ارائه می‌کند، قابل تأمل است: از نظر او اعتماد «به انتظاری اطلاق می‌گردد که در یک اجتماع از

1. Social Capital
2. Enlightenment
3. Trust

رفتار منظم، صادقانه و همکاری جویانه مبتنی بر هنجارهای مشترک برمی خیزد». او اعتماد را نه صرفاً جزء یا شاخص سرمایه اجتماعی بلکه به عنوان پیش شرط^۱ آن تلقی می کند؛ «سرمایه اجتماعی قابلیت است که از گسترش اعتماد در یک جامعه یا بخش های خاصی از آن ناشی می شود» (تونکس، ۱۳۸۷: ۱۰۴ و ۱۰۳). باید یادآوری نمود که اعتماد یک فضیلت اخلاقی نیست بلکه محصول فضیلت است؛ اعتماد وقتی حاصل می شود که افراد دارای هنجارهای مشترک صداقت^۲ و رفتار متقابل^۳ باشند و بنابراین بتوانند با یکدیگر همکاری کنند «اعتماد، محصولی از سرمایه اجتماعی است و نه جزئی از اجزای آن. مطابق با بحث های وول کاک» (Woolcock, 1998: 185).

۲- مشارکت: مشارکت در لغت به معنای جبرانِ ضرر وارده به یکی از شرکاء به وسیله سایرین، اعانه دادن، شرکت، سهمیه، سهم، اعانه، هم بخشی، همکاری و کمک است. موریس^۴ مشارکت را یک پدیده اجتماعی به صورت درگیری در ارزش های جامعه ای که فرد در آن عضو است که هرگاه افراد در بطن ارزش ها و هنجار جامعه خود زندگی کنند، در واقع در حیات اجتماعی مشارکت دارند، تعریف می کند. چنین تعریفی، مفهوم اجتماعی شدن را به ذهن تداعی می کند. مشارکت اجتماعی نیز باوری است که طبق آن فرد خود را عضو حیاتی اجتماع می داند و فکر می کند چیز ارزشمندی برای عرضه به دنیا دارد. این افراد تلاش می کنند که احساس دوست داشته شدن کنند و در دنیایی که صرفاً به دلیل انسان بودن برای آنها ارزش قائل است سهم باشند. الکسی دوتوکویل^۵ معتقد است مشارکت اجتماعی تجربه شهروندی را فعال و موقتی می نماید و شهروندان را نسبت به نظم علاقه مند می کند و آگاهی آنها را نسبت به وظایف دولت و مردم، محدوده ها و محدودیت های حقوق دیگران افزایش می دهد. هرگونه تجربه مشارکت اجتماعی، علاقه عمومی به خیر و سعادت جمعی را به وجود می آورد. از طریق تعامل و تأثیر متقابل انسان ها بر یکدیگر، احساسات و عقاید نیروی تازه می گیرند و به کارگیری می - شوند (سام آرام و امین آقایی، ۱۳۸۷: ۲۹ و ۲۷).

3. Precondition
2. Honesty
3. Reciprocity
4. Moris
5. Alexi de Touquille

۳- انسجام اجتماعی^۱: در حقیقت انسجام (یا یکپارچگی) اجتماعی سنجش برای کیفیت روابط افراد در رابطه با جامعه و اجتماع است. افراد باید سعی کنند تا یک حس تعلق به کل دنیا را در خودشان به وجود بیاورند نه این که در تمام طول زندگی فقط وابسته به دوست داشتن غیر مشروط خانواده و دوستان باشند. افراد سالم احساس می‌کنند که قسمتی از جامعه هستند؛ بنابراین انسجام، آن درجه‌ای است که در آن مردم احساس می‌کنند که چیز مشترکی بین آنها و کسانی که واقعیت اجتماعی آنها را می‌سازند وجود دارد؛ همچنین یکپارچگی، آن درجه‌ای است که مردم احساس می‌کنند که متعلق به جامعه و اجتماعشان هستند (Keyes, 2004).

مصاحبه با صاحب‌نظران و خبرگان درخصوص نقش سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری بر ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی:

از مجموع ۱۸ نفر مصاحبه با صاحب‌نظران و خبرگان در دستگاه‌های نظارتی قوه قضائیه و حوزه امنیت عمومی به اختصار، گزیده دیدگاه‌های دو تن از صاحب‌نظران قید می‌گردد:

اعتماد یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های مؤلفه سرمایه اجتماعی است. افزایش کارآمدی دستگاه‌های اجرایی منجر به اعتماد بین شهروندان و متقابلاً با حاکمیت می‌گردد، درواقع یک اعتماد عمومی پشتوانه سازمان قدرت و دستگاه حاکمیتی است و دستگاه حاکمیتی نظام می‌داند این پشتوانه بزرگ‌ترین سرمایه حفظ و بقایش است؛ ازاین‌رو همین اعتماد عمومی بزرگ‌ترین تأمین‌کننده امنیت عمومی با محوریت و مرجعیت مردم است. هرچه حضور و شرکت شهروندان گسترده‌تر و متراکم‌تر باشد، به همان نسبت منافع متقابل مردم نسبت به هم افزایش پیدا می‌کند. بنابراین باز هم به این می‌رسیم که منافع ملی از این منظر با جمهوریت تأمین می‌شود. اینجا هم می‌بینیم که بین این مشارکت اجتماعی و تأمین و ارتقای امنیت عمومی رابطه مستقیم وجود دارد. در انسجام اجتماعی درواقع احساس تعلق است که یک عضو جامعه و یک فرد نسبت به اجتماع خود دارد. هر چه قدر سطح انسجام عمومی، انسجام اجتماعی افزایش پیدا کند، انسجام اجتماعی، اجتماع عموم، اجتماع شهروندان، اجتماع هر عضوی از جامعه، این تأمین‌کننده و ارتقادهنده سطح امنیت عمومی هم است (مصاحبه با قاضی محترم بهزاد غفاری مقدم). از پایه‌های اصلی قوام یک نظام، سرمایه اجتماعی است. هر نظامی که

بخواهد توان و پایداری داشته باشد، اقتدار داشته باشد، باید سرمایه اجتماعی داشته باشد. اگر در جامعه اعتماد باشد، یک سرمایه اجتماعی بزرگ است. چون در فرض اعتماد است که افراد مطیع فرمان مسئولین خواهند بود؛ اما اگر اعتماد نباشد، این اطاعت نیست و اگر اطاعت نباشد، خودبه خود اقتدار نیست. سازمان بازرسی به عنوان یک نهاد نظارتی در ایجاد اعتماد نقش اساسی دارد. اینجا بازرسی کل کشور می تواند از طریق نظارت بر چگونگی جریان امور اولاً کارکنان خود دستگاه را نسبت به انجام وظایف محوله امیدوار کند و ثانیاً موجب پاسخ گویی صحیح و انجام سهل و ساده کارها در آن دستگاه و جلب اعتماد مردمی که یک سرمایه اجتماعی است به وجود می آورد. اگر مردم از دیوان عدالت اداری راضی باشند به همین نسبت اعتماد مردم به نظام را بسیار ارتقاء داده است. اگر زمینه مشارکت عمومی فراهم شود، یک سرمایه اجتماعی فراهم شده است. در حوزه بازرسی کل کشور با توجه به اینکه در رسیدگی به اعلانات مردمی هیچ ضرورتی برای درج نام و مشخصات دقیق فرد گزارش دهنده وجود ندارد، این موضوع مشارکت مردم را فراهم می کند و این موضوع سبب تقویت سرمایه اجتماعی می شود. مردم جامعه هر قدر منسجم تر باشند، سرمایه اجتماعی غنی تر خواهد بود. نقش بازرسی در انسجام مردم، نقش بی بدیل در مبارزه با فساد است (مصاحبه با قاضی محترم دکتر ذبیح الله واحدی).

روش پژوهش

این تحقیق از نظر نوع، کاربردی و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و در چهارچوب رویکرد کیفی صورت پذیرفته است. جامعه آماری تحقیق ۲۰۰ نفر برآورد شده و حجم آن شامل ۱۸ نفر از صاحب نظران سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری و حوزه امنیت عمومی هستند. حجم جامعه نمونه آماری به شیوه اشباع نظری هدفمند در نظر گرفته شده است. هدف از این پژوهش بررسی نحوه نظارت دستگاه های نظارتی قوه قضائیه، افزایش کارآمدی دستگاه های اجرایی و تقویت سرمایه ی اجتماعی در آحاد جامعه است و نقش فرایند موصوف در ارتقای امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران را تحقیق خواهد نمود؛ اما سؤال پژوهش این است که «دستگاه های نظارتی قوه قضائیه چگونه در ارتقای امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران ایفای نقش می نمایند؟» و فرضیه «دستگاه های نظارتی قوه قضائیه می توانند با نظارت بر -

حسن اجرای قوانین و رسیدگی به شکایات و دادخواهی های مردم و احقاق حقوق عامه و به پیروی از آن افزایش کارآمدی دستگاه های اجرایی و سطح رضایتمندی شهروندان و سپس تقویت سرمایه ی اجتماعی در ارتقای امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران ایفای نقش نمایند» را تحقیق می کنند.

تجزیه و تحلیل داده های تحقیق

در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده ها به روش استنباطی از روش تحلیل محتوا با تأکید بر میزان اهمیت هریک از مؤلفه ها در نزد صاحب نظران مصاحبه شونده استفاده شده است. بدین منظور نقش هر یک از دستگاه های نظارتی قوه قضائیه در ارتقای شاخصه هایی که به عنوان تشکیل دهنده و یا ارتقای حوزه امنیت عمومی هستند از فحوای کلام آن صاحب نظران به روش آنالیز متنی استخراج نموده که نتایج آن در جداول آتی ارائه می گردد. آنچه به عنوان علامت (*) لحاظ گردیده، تأکید صاحب نظران، مدیران و خبرگان حوزه های سازمان بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری و حوزه امنیت عمومی در رابطه با شاخصه های عنوان شده در خصوص سازمان بازرسی کل کشور و یا نقش پررنگ آن شاخصه ها مطرح می دانم و علامت (-) در نبود نقش آن شاخصه و یا کم رنگ بودن آن نسبت به حوزه دیوان عدالت اداری لحاظ گردیده است. به هر حال با تحلیل محتوا در این مورد مشخص می گردد.

نقش سازمان بازرسی کل کشور بر ارتقای هر یک از مؤلفه های کارآمدی و سرمایه ی اجتماعی

ردیف	شاخصه صاحب نظران	قانون مداری	مسئولیت پذیری و پاسخ گویی	کاهش فساد	اعتماد	مشارکت	انسجام اجتماعی
۱	غفاری مقدم	*	*	*	*	*	*
۲	نجف پور	*	*	*	*	*	*
۳	ابراهیم پور	*	*	*	*	*	*
۴	حق شناس	*	*	*	*	*	*
۵	طیب لی	*	—	*	*	—	*

۶	مهرورز	*	*	*	*	*	*
۷	قلجی	*	*	*	*	*	*
۸	واحدی	—	*	*	*	—	*
۹	محضری	*	*	*	*	*	*
۱۰	عمرانی	*	*	*	*	*	*
۱۱	کلهر	*	*	*	*	*	*
۱۲	کاظمی	*	*	*	*	*	*
۱۳	حجتی	*	*	*	*	*	*
۱۴	عرفانیان	*	*	*	*	*	—
۱۵	کنگوری	*	*	*	*	*	*
۱۶	نور محمدی	*	*	*	*	—	*
۱۷	شیخ عباسی	*	*	*	*	—	*
۱۸	شهریاری	*	*	*	*	*	*
	جمع نهایی	۱۷ — ۱۸	۱۵ — ۱۸	۱۷ — ۱۸	۱۷ — ۱۸	۱۷ — ۱۸	۱۷ — ۱۸

نقش دیوان عدالت اداری بر ارتقای هر یک از مؤلفه‌های کارآمدی و سرمایه‌ی اجتماعی

ردیف	شاخصه صاحب نظران	قانون مداری	مسئولیت پذیری و پاسخ‌گویی	کاهش فساد	اعتماد	مشارکت	انجام اجتماعی
۱	غفاری مقدم	*	*	*	*	*	*
۲	نجف پور	—	*	—	*	*	*
۳	ابراهیم پور	*	*	*	*	*	*
۴	حق شناس	*	*	*	*	*	*
۵	طیب لی	—	—	*	*	—	—

۶	مهرورز	*	*	*	*	*	*
۷	قلجی	*	*	*	*	*	*
۸	واحدی	*	*	*	*	*	*
۹	محضری	*	*	*	*	*	*
۱۰	عمرانی	*	*	*	*	*	*
۱۱	کلهر	*	*	*	*	*	*
۱۲	کاظمی	*	*	*	*	*	*
۱۳	حجتی	—	—	—	*	*	*
۱۴	عرفانیان	*	*	*	—	—	—
۱۵	کنگوری	*	*	*	*	*	*
۱۶	نور محمدی	—	*	*	*	*	*
۱۷	شیخ عباسی	*	*	*	*	*	*
۱۸	شهریاری	*	*	*	*	*	*
جمع		۱۴ ۱۸	۱۶ ۱۸	۱۶ ۱۸	۱۷ ۱۸	۱۵ ۱۸	۱۵ ۱۸

شاخصه صاحب نظران	قانون مداری	مسئولیت پذیری و پاسخ گویی	کاهش فساد	اعتماد	مشارکت	انجام اجتماعی
نقش سازمان بازرسی کل کشور	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۵	۱۷
نقش دیوان عدالت اداری	۱۴	۱۶	۱۶	۱۷	۱۵	۱۵
جمع نهایی	۳۱	۳۳	۳۳	۳۴	۳۰	۳۲

۱- مشخص شد شاخصه‌های استخراج‌شده توسط پژوهشگر از نظر صاحب‌نظران و خبرگان مصاحبه‌شونده جزء شاخصه‌های اساسی در راستای ارتقای امنیت عمومی به شمار می‌روند و همچنین نقش دستگاه‌های نظارتی قوه قضائیه در ارتقای شاخصه‌های مطروحه در کارآمدی دستگاه‌های اجرایی و سرمایه اجتماعی نیز بسیار پررنگ و حائز اهمیت مشاهده گردید.

۲- میانگین نظرات بالا بیانگر این است که تمامی خبرگان مصاحبه‌شونده به یک اندازه و به صورت واحد بر اهمیت نقش سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری بر ارتقای شاخصه‌های کارآمدی دستگاه‌های اجرایی و سرمایه اجتماعی تأکید دارند. به عنوان مثال از میان ۳۶ نظر خبرگان درخصوص شاخصه اعتماد، ۳۴ نظر بر تقویت و ارتقای این شاخصه توسط دستگاه‌های نظارتی قوه قضائیه اصرار می‌نمایند.

۳- براساس جدول معین می‌گردد نقش بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری بر ارتقای شاخصه مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی و کاهش فساد بیشتر از شاخصه قانون‌مداری است. گفتنی است نقش سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری بر ارتقای دو شاخصه و مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی و کاهش فساد در دستگاه‌های اجرایی به یک اندازه است.

۴- براساس جدول معین می‌گردد نقش سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری بر ارتقای شاخصه اعتماد بیشتر از شاخصه‌های مشارکت و انسجام اجتماعی است، همچنین پس از شاخصه اعتماد، به ترتیب شاخصه انسجام اجتماعی و مشارکت در ردیف‌های بعدی قرار می‌گیرند.

۵- مقایسه نقش سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری بر شاخص‌های کارآمدی دستگاه‌های اجرایی و سرمایه اجتماعی به تفکیک برابر جدول ارائه می‌گردد:

- نقش بازرسی کل کشور بر تقویت و ارتقای قانون‌مداری و حاکمیت قانون در دستگاه‌های اجرایی، پررنگ‌تر و اثرگذارتر از دیوان عدالت اداری است.
- نقش سازمان بازرسی کل کشور در تقویت و ارتقای مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در دستگاه‌های اجرایی، با مختصر تفاوتی، پررنگ‌تر و با اثربخشی بالاتر از دیوان عدالت اداری مطرح است.
- نقش سازمان بازرسی کل کشور در کاهش فساد دستگاه‌های اجرایی، با فاصله‌ای اندک نسبت به دیوان عدالت اداری بیشتر است.

- هردو دستگاه نظارتی قوه قضائیه اعم از سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری در خصوص تقویت و یا ارتقای اعتماد و مشارکت بین آحاد جامعه و شهروندان به صورت مساوی دارای سهم هستند.
- نقش سازمان بازرسی کل کشور بر تقویت یا افزایش انسجام اجتماعی، نسبت به دیوان عدالت اداری، نقش پررنگ‌تر و ملموس‌تری است.

نتیجه‌گیری

کارآمدی دستگاه‌های اجرایی یکی از کلیدی‌ترین محصولات و اثربخشی کلیدواژه‌ای به نام نظارت است که میزان موفقیت در تحقق هدف‌ها و یا انجام مأموریت‌ها که نشان‌دهنده درجه رسیدن به اهداف سازمان است را ترسیم می‌نماید. با توجه به وظایف و اختیارات سازمان بازرسی کل کشور به عنوان مرجع نظارتی کشور که وظیفه نظارت بر روند امور و نحوه عملکرد دستگاه‌های اداری از حیث نظارت بر حسن اجرای امور و اجرای صحیح قوانین را عهده‌دار بوده و همچنین دیوان عدالت اداری که رسیدگی به شکایات، دادخواهی‌های مردم، نسبت به مأمورین یا واحدها یا آئین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها را برعهده دارد، موجب می‌گردد براساس قوانین و مقررات و با نظارت مناسب، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی و کاهش فساد در دستگاه‌های اجرایی ایجاد شود؛ بنابراین محورهای مبحث کارآمدی موجب افزایش و ارتقای کارآمدی در دستگاه‌های اجرایی گردیده و منجر به انجام و ارائه خدمات شایسته دستگاه‌ها به آحاد جامعه شده است و در ارائه خدمات عمومی به عموم مردم تسریع و تسهیل می‌نمایند؛ ازاین‌رو نگرش شهروندان از خدمات ارائه شده توسط نظام اداری کشور و حاکمیت، مثبت گردیده و این گرایش موجبات رضایت‌مندی عمومی آحاد جامعه را در بردارد. این رضایت‌مندی برای عموم مردم، موضوع مهمی همچون سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کند. بدیهی است در چنین رویکردی، بخش قابل توجهی از بی‌نظمی و ناامنی‌های ناشی از تعارضات غیرهمسوم موضوع بوده و رابطه مستقیم انسجام اجتماعی با پدیده‌ای به نام امنیت عمومی با مرجعیت مردم امری ملموس و به وضوح قابل پذیرش خواهد بود؛ همانگونه که در گذشته به آن اشاره گردید، مرجع امنیت عمومی "عموم مردم" هستند و بر جان، مال، ناموس، شئونات زندگی، مبارزه با جرائم و برقراری نظم و قانون دلالت دارد؛ بنابراین سرمایه اجتماعی

فرایندی است که ذاتاً با قدرت پیوند دارد و از این رو مبتنی بر این امر، همبستگی آن با امنیت واضح‌تر است، با عنایت به مراتب عنوان شده به وضوح و روشنی می‌توان رابطه علیت بین سرمایه اجتماعی با موضوعاتی از قبیل پیشگیری و یا کاهش جرائم، ناهنجاری‌ها و تعارضات ناهمسو، بی‌نظمی و قانون‌گریزی‌ها را اذعان نموده که این امر نیز به نوبه خود، مؤید نقش هر یک از موارد یادشده در تأمین، ارتقاء یا کاهش سطح امنیت عمومی هستند.

منابع

۱. احمدوند، علی و حاتمی، حمیدرضا و ذوالفقاری، حسین. (۱۳۸۹). *راهنمای ارتقای امنیت عمومی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، شماره ۴۲.
۲. افتخاری، اصغر. (۱۳۸۴). *معما امنیت عمومی در کنکاشی بر جنبه های مختلف امنیت عمومی و پلیس*، تهران، دانشگاه علوم انتظامی
۳. حسن بیگی، ابراهیم. (۱۳۹۰). *مدیریت راهبردی*، تهران، انتشارات سمت.
۴. ترقی، علیرضا و رستمی، حسن. (۱۳۸۸). نقش مطلوب سرمایه ی اجتماعی در تأمین امنیت عمومی، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، شماره ۳۸.
۵. دفتر مطالعات و تحقیقات امنیتی وزارت کشور. (۱۳۸۰). *امنیت عمومی و وحدت ملی*، تهران، زمستان، مجموعه سخنرانی ها و مقالات.
۶. رضائیان، علی. (۱۳۹۲). *اصول مدیریت*، تهران، سمت.
۷. سام آرام، عزت اله و امین آقایی، مهرناز. (۱۳۸۷). امنیت عمومی و سلامت اجتماعی، *فصلنامه امنیت عمومی*، شماره اول و دوم.
۸. ساوه درودی، مصطفی. (۱۳۹۲). *راهنمای سازمانی و مدیریت بحران*، تهران، انتشارات دانشکده علوم و فنون فارابی.
۹. سعیدی، روح الامینی. (۱۳۹۵). *آکادمی ها نهادها، ضد فساد*، مرکز مطالعات و پژوهش های سلامت اداری و مبارزه با فساد، تهران، نشر علوم اجتماعی.
۱۰. عارف، رضا. (۱۳۹۴). *تأملی بر پدیده ی قانون گریزی*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش های سلامت اداری مبارزه با فساد.
۱۱. عصاریان نژاد، حسین. (۱۳۸۷). *امنیت داخلی و انتظام داخلی*، تقریرات درسی، تهران، دعا.
۱۲. فتحعلی، محمود. (۱۳۸۳). *کارآمدی نظام اسلامی*، صباح، سال سوم، شماره ۱۲ و ۱۱.
۱۳. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*

۱۴. گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی. (۱۳۹۲). *سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت عمومی*، تهران، داغا.
۱۵. گریفیتس، مارتین. (۱۳۸۸). *دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نی.
۱۶. *مجموعه قانون و مقررات* دیوان عدالت اداری.
۱۷. *مجموعه قانون و مقررات* سازمان بازرسی کل کشور.
۱۸. مرادیان، محسن. (۱۳۹۱). *مبانی نظری امنیت*، تهران، فارابی.
۱۹. معین، محمد. (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی معین*، جلد چهارم، تهران، فرهنگ‌نما.
۲۰. نادری، محمدمهدی. (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، معرفی و نقد اجمالی، *فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، شماره‌ی اول.

21. Harper, R (2001) **social capital**: Areview of the literature Office for National Statistics, London.
22. Keyes,C.L.M (2004) **Complete Mental Health**: An Agend a for the 21,Century.washington.
23. Comparative Perspective(2004), **American Political Science Review** Vol. 98, No. 3, p. 426.
24. Field,gohn(2003) «**Social Capital**», Poblised by Routedge,London.
25. <http://www.oxfoddictionaries.com/definition/english/anti-corruption> (2015).
26. Woolcock, M(1998)**Social capital & economic development**: Toward a Theoretical Synthesis & Policy Framework,Theory & Society,151-208.